

ادامه از صفحه ۲

شکستن قفل نهادهی توسعه

نمود مدل توسعه‌ای که در آن رابطه‌ای هم‌افزا بین رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی تعریف شده باشد، باعث شده حتی پیش از شیوع کرونا، با وجود هزینه‌های کلان بودجه‌ای برای یارانه (۲۴۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸) شاخص فلاکت ایران (مجموع تورم و بی‌کاری) به بالاتر از ۵۰ واحد برسد که بالاترین حدهای آن در جهان بوده است. نبود سیاستی اجتماعی که کف حمایت اجتماعی (Social Protection Floor) را فراهم آورد، موجب شده تنها ۱۵ درصد از بی‌کاران بیمه‌شده بتوانند بیمه بی‌کاری دریافت کنند. ... قفل‌شدگی نهادی ایران به طور خلاصه این است: در اقتصادی نوظفودال و وابسته به تک‌محصول نفت و تحت سلطه رانت‌جویان، الگوی کارآمد توسعه اقتصادی دانش‌بنانی اجازه بالندگی ندارد که تولید را رشد دهد و بر درآمد واقعی مردم بیفزاید و تورم را مهار کند و از بی‌کاری بکاهد؛ به‌علاوه سیاست‌های شایسته‌ای برای برقراری رابطه‌ای هم‌افزا بین رشد اقتصادی و عدالت و رفاه اجتماعی وجود ندارد. در نتیجه هر چه می‌گذرد، درآمد نفت برای حمایت از صنایع ناکارآمد و حفظ حداقل رفاه ناکافی‌تر می‌شود و جمعیت بیشتری به زیر خط فقر می‌روند. کمبود درآمد کم، باعث بالارفتن دعوا بین رانت‌گیران برای جذب انحصاری آن می‌شود و فساد مانند قانقاریا جامعه و اقتصاد و فرهنگ را می‌پوساند؛ دست‌اندازی به طبیعت به بهانه تبدیل به «حسن»کردن آن، از جنگل‌ها و مراتع آغاز شده و تا قله کوه‌ها بالا می‌رود. ... در رشته علمی نهاده‌سازی به‌عنوان رکنی اساسی در دانش توسعه، شرط لازم برای شکستن قفل یا تله نهادی، توافقی درباره سرمشق و مدل نوین توسعه است؛ وگرنه آسیب‌به ناگزیر رخ خواهد داد؛ اما شگفت اینکه در چنین تله‌ای، گفتمان غالب در حوزه سیاسی ایران به‌شدت سیاست‌زده و معطوف به قدرت و بر از های‌وهویی است؛ شرکت کردن یا نکردن درانتخابات، تغییر نحوه انتخاب رئیس‌جمهور، لزوم تشکیل مجلس سنا، یکپارچگی قدرت، اعتبار یا بی‌اعتباری برجام، دعوا بر سر مدیریت جریان خود، افشاشگری فساد جریان دیگر، رونمایی از طرح‌های توخالی برای آرام‌سازی مردم و ... حوزه عمومی ایران هرچند گاه مانند واکنش به تصرف کوه دماوند، بسیار خوش می‌درخشد و روشنفکرانش برای هر اقدام خود بهایی سنگین می‌پردازند؛ اما بسیاری اوقات به بحث درباره فضیلت آزادی و عدالت، ردیلت استثمار، لزوم خراج‌کردن جن نوپولیرالیسم از جسم جوامع جهان و... بنده نمی‌کنند. آنچه روشن است، این است که از حوزه سیاسی و دیوان‌سالاران مرعوب‌شده آن که حتی عقلانیت‌ ابزاری‌شان را از دست داده‌اند، سرمشق و الگوی توسعه شایسته حاصل نمی‌آید؛ اما کار حوزه عمومی، در اساس راه‌انداختن گفتمان درباره برنامه دقیق جایگزینی است که بتواند اقتدار جامعه مدنی را در همه زمینه‌ها به حوزه مدنیسی (حال یا آینده) دیکته کند. پس این روشنفکران جامعه مدنی هستند که تا دیر نشده، باید به هر زحمتی که هست، تدوین سرمشق و الگوی توسعه جایگزین را در دستور کار قرار دهند و آن را به گفتمان غالب حوزه عمومی تبدیل کنند تا قفل نهادی را بشکنند.

ادامه از صفحه اول

فرست‌ها و چالش‌های دادگاه‌های ویژه اقتصادی

به عبارت دیگر، این دادگاه برخلاف قاعده فقهی حقوقی «قبح عقاب بلا بیان» مدعی است که انجام هرگونه عمل مجاحی (رفتاری که قانون‌گذار آن را به‌عنوان عمل مجرمانه اعلام نکرده باشد) می‌تواند برای انجام‌دهنده آن عمل مجابح در قالب اخلال در نظام اقتصادی کشور، مجازاتی تا ۲۰ سال حبس را در بر داشته باشد؛ با این توصیف، نظر به اینکه آرای دادگاه منکدر در حال بنیان‌گذاری امری بدیع در حقوق کیفری اقتصادی بوده که بدون شک تأثیر بسزایی در محاسبات امنیت اقتصادی سرمایه‌گذاران در کشور دارد واز سوی دیگر به‌دلیل قطعیت و قابل تجدیدنظر نبودن آرای این دادگاه‌های یک‌رحله‌ای، دست قضات مراجع عالی دستگاه قضائی مانند دیوان عالی کشور نیز برای اظهارنظر درباره صحت این استدلال بدیع کوتاه است؛ بنابراین جای آن دارد که ریاست محترم قوه قضائیه هم‌زمان با اتخاذ تصمیم درباره درخواست تمدید یا عدم تمدید دادگاه‌های مذکور، برای تعیین تکلیف قطعی این مهم نیز تمهیدات لازم را ببیندیش.

لیلا مرگن؛ مسعود منصور، رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، در گفت‌وگو با «شرق» از ملی‌شدن تمام کوه دماوند خبر می‌دهد. او می‌گوید در جلسه مشترکی که روز شنبه با حضور سازمان جنگل‌ها، اوقاف، ثبت و نهاد رهبری تشکیل شده، تصمیم بر این شد که قله و دامنه کوه دماوند ملی اعلام شود و در کارگروه مشترکی که طبق قانون تعیین شده، محدوده موقوفه‌هایی که بخشی از آن در عرصه‌های ملی و بخشی هم مستثنیات مردم است، تعیین شود تا پرونده وقف دماوند منخومه اعلام شود. براساس اطلاعات منتشرشده از وقف‌نامه پلاک‌های ۶۸ و ۶۹، کل سهم اوقاف از این اراضی که تا قله دماوند می‌رود، ۱۲۰ من بذریاش است. در پلاک ۳۵ و ۳۷ هم که به گفته محمدرضا عباس‌زاده، فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، سه و شش دانگ از هر یک از این پلاک‌ها به نام اوقاف سند خورده، مرتع عرفی روستا موقوفه اعلام شده و عواید حاصل از وقف باید صرف تکیه‌ای در محل شود. اگرچه سند پلاک‌های ۶۸ و ۶۹ به نام سازمان جنگل‌ها در نیمه‌شب خورده بود اما هنوز از این سند رونمایی نشده است. برخی کارشناسان بر این باورند که هیئت نظارت سازمان ثبت درباره ابطال سند اوقاف اعلام نظر کند؛ اما مصطفی نوری، کارشناس دفتر حقوقی سازمان جنگل‌ها، در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که ثبت در صدور سند اشتباه کرده و سندی که به نام سازمان جنگل‌ها صادر شده، وجاهت قانونی دارد و سندی که به نام اوقاف بوده، فاقد اعتبار است. حدود یک هفته از نیمه‌شیی که سند دو پلاک وقفی دماوند در دفتر ثبت رتبه به نام سازمان جنگل‌ها زده شد، می‌گذرد و هنوز این سند رونمایی نشده است؛ اما مسعود منصور، رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که مهم نیست که این اسناد به دست سازمان جنگل‌ها نرسیده است. او می‌گوید: در جلسه روز شنبه با حضور اوقاف، سازمان جنگل‌ها، ثبت و نهاد رهبری نهایی شد که آنچه به‌عنوان کوه دماوند، دامنه و قله آن به حساب می‌آید، اراضی ملی است و باید به نام سازمان جنگل‌ها سند بخورد. منصور ادامه می‌دهد: آن بخشی از کوه دماوند که به نام سازمان جنگل‌ها سند خورده است که هیچ، آن بخشی دیگری را هم که سند ندارد، سازمان ثبت موظف شده به قید فوریت به نام سازمان جنگل‌ها سند بزند. به گفته او آنچه ما به‌عنوان کوه دماوند می‌شناسیم، اراضی ملی است. البته وقف‌نامه‌ای هم برای این منطقه وجود دارد که باید جایش را تعیین کنیم. بخشی از اراضی موقوفه مربوط به مستثنیات است و در کارگروه مشترکی که با اوقاف داریم، باید جای مکان موقوفه‌ای که می‌تواند وقف باقی بماند، مشخص شود؛ اما دامنه و قله دماوند را هیچ‌کس نمی‌پذیرد که غیرملی باشد. رئیس سازمان جنگل‌ها تأکید می‌کند: وقف‌نامه یک محدوده و میزان مشخص دارد. طبق قانون و آیین‌نامه باید توسط کارگروهی که براساس قانون تشکیل شده است، مکان وقف مشخص شود. طبعاً بخشی از اراضی موقوفه مستثنیات و بخشی غیرمستثنیات، اما دامنه و قله کوه محل وقف نیست.

مراتب پلاک ۳۵ و ۳۷ وقف‌شده است

جزئیات وقف‌نامه دماوند مشخص نیست. درباره پلاک ۶۸ و ۶۹، پیش‌تر رضا افلاطونی، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور به «شرق» گفته بود- ۱۲۰ من محلی محدوده وقفی است که در وقف‌نامه این پلاک آمده، اما سازمان ثبت کل پلاک را به نام ثبت سند زده است. درباره پلاک ۳۵ و ۳۷ وضعیت چگونه است؟ محمدرضا عباس‌زاده، فرمانده یگان حفاظت شهرستان آمل، در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: پلاک ۳۷ که خورتاب‌سرا نامیده می‌شود، در بخش هفت دلارساق واقع شده است. براساس نقشه‌ای که من دارم و در پرونده بود، وسعت این پلاک ۱۰۶ هکتار است. کل شش‌دانگ پلاک به نام اوقاف سند خورده است. او ادامه

اقتصاد

با تصمیم مشترک در جلسه روز شنبه اوقاف، ثبت، سازمان جنگل‌ها و نهاد رهبری محقق شد

تمام پلاک‌های دماوند ملی می‌شود



می‌دهد: پلاک ۳۵ هم سه‌رورد نامیده می‌شود که در همان بخش است و ۱۲۶ هکتار وسعت دارد و سه دانگ آن به نام اوقاف سند خورده است. به گفته عباس‌زاده در قدیم مراتع مالک خصوصی داشت و بعد از ملی‌شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۴۱، اسناد باطل شده و سند به نام منابع ملی می‌خورد. او واقف مراتع دماوند را شخصی به نام نصرالله افضلی معرفی می‌کند که ساکن روستای حاجی‌دلا بوده و عایدی مراتع تحت مالکیتش را وقف تکیه‌ای در محل می‌کند. در وقف بحث حبس مال مطرح است و عین مال حبس می‌شود. او می‌گوید: یکی از وراث واقف به نام ابراهیم افضلی هم هرازگاهی به این وقف‌نامه اشاره می‌کند و خواستار حق و حقوق می‌شود اما کسی او را جدی نمی‌گیرد. به گفته عباس‌زاده تاکنون تمام حقوق علف‌چر پلاک‌های یادشده به حساب سازمان جنگل‌ها واریز شده است، اما برای این دو پلاک درخواست سند کرده‌ایم که پاسخی از سوی ثبت دریافت نکرده‌ایم.

اسناد وقفی طبق قانون تعیین تکلیف شدند

آن‌طورکه منصور می‌گوید، تکلیف پلاک‌های مورد مناقشه دماوند مشخص شده است اما آیا باز هم به ورود هیئت نظارت برای مسئله دماوند و تصمیم‌گیری درباره ابطال اسناد قبلی نیاز است؟ مصطفی نوری، مدیرکل حقوق بین‌الملل محیط زیست و کارشناس دفتر حقوقی سازمان جنگل‌ها، در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: من نظر شخصی خودم را می‌گویم و ممکن است آنچه رخ می‌دهد خلاف نظر من باشد. او اضافه می‌کند: با همه‌پرسی در ششم بهمن ۱۳۴۱، شش اصل به رأی مردم گذاشته می‌شود و اصل دوم آن در واقع بحث ملی‌شدن جنگل‌ها و مراتع کشور است. آنچه در این تاریخ رخ می‌دهد، در حکم قانون اساسی است و مستند به همین قانون، بحث ملی‌شدن یا تصویب‌نامه قانون ملی‌شدن جنگل‌ها به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، بعداً نمایندگان مجلس می‌آیند تمام مصوباتی را که مغایر تشخیص داده می‌شود، ملغی می‌کنند و مابقی به‌عنوان مصوبات مجلس ملی تلقی می‌شود. به گفته نوری ما قانونی داریم که حاکم است، مستند به قانونی است که در حکم قانون اساسی است. از طرفی در سال ۱۳۵۸ و سال ۶۸ اصل ۲۵ قانون اساسی تصویب می‌شود. اصل ۲۵ قانون اساسی به‌صراحت اعلام می‌کند که جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دریاها و... جزء اموال عمومی است.

او اضافه می‌کند: بنابراین دو قانون داریم که هر دو قانون، قوانین اساسی ما هستند و اعلام می‌کنند که این دسته از اراضی جزء اراضی ملی هستند. قانون‌گذار در تصویب‌نامه قانون ملی‌شدن، در بندهای مختلف شرایطی را اعمال می‌کند؛ از جمله مستثنیاتی را که محاط در جنگل‌ها و مراتع هستند، تعیین تکلیف می‌کند. اعلام می‌کند تمام مستثنیات محدوده جنگل‌ها و مراتع که اسناد آنها در گذشته به نام اشخاص بوده است یا اینکه با حکم مرجع قضائی به نام اشخاص شده، باید خریداری شود و به جنگل‌ها و مراتع منضم شود. این کارشناس دفتر حقوقی سازمان جنگل‌ها می‌گوید: یعنی عملاً با

تولیدکنندگان شهرک‌های صنعتی از افزایش ساعات قطعی برق در این شهرک‌هاگله دارند

سایه خاموشی بر سر تولید

تولیدمان دچار اشکال می‌شود.

خسارت به‌خاطر خاموشی

یکی دیگر از تولیدکنندگان این شهرک‌های صنعتی در گفت‌وگو با «شرق» یادآور می‌شود: گاهی پیامک خاموشی برق به دست ما نمی‌رسد. ما که در حوزه سیم و کابل فعال هستیم، باید حتما قبل از خاموشی از این مسئله مطلع شویم وگرنه خسارات سنگینی به‌واحد ما وارد می‌شود. او ادامه می‌دهد: عموماً در مرحله روکش سیم و کابل اگر برق قطع شود، کل سیم بلااستفاده می‌شود و خسارات ما سنگین است. ناگزیریم نیروهای خود را تعدیل کنیم و به‌این‌ترتیب بی‌کاری افزایش می‌یابد.

خاموشی به‌خاطر گذر از پیک تابستان

اگرچه صنایع از خاموشی‌های رو به افزایش فصل تابستان ناراضی هستند اما مصطفی رجبی‌مشهدی سخنگوی صنعت برق در گفت‌وگو با «شرق» این خاموشی‌ها را برنامه‌ریزی‌شده اعلام می‌کند. او می‌گوید: ما امسال برنامه‌ای را تدوین کردیم که به برنامه ۰۹۹ مشهور است. این برنامه بر مبنای خاموشی صفر تنظیم شده است؛ یعنی تلاش می‌کنیم هیچ‌جا خاموشی را اعمال نکنیم اما برای اینکه این خاموشی را اعمال نکنیم، به اقدام را به‌طور خلاصه انجام دادیم. رجبی‌مشهدی بیان می‌کند: یکی از برنامه‌ها این است که ظرفیت تولید را افزایش داده و سعی کنیم از حداکثر ظرفیت نیروگاه‌های موجود استفاده کنیم. شیوه‌هایی برای ارتقای توان آنها استفاده شده است. درحال‌حاضر جعباً دو هزار مگاوات ظرفیت نیروگاه‌های کشور از طریق ارتقای شبکه افزایش یافته است. او اضافه می‌کند: دومین اقدام این بود که تلاش کردیم مشکل شبکه‌های برق چه انتقال، چه فوق توزیع و توزیع اگر دچارگرفتگی است، حل کنیم و مشکلات و محدودیت‌های ناشی از افزایش مصرف را پیش‌بینی کنیم؛ همچنین خطوط انتقال و پست مدیریت ایجاد کنیم. به گفته رجبی‌مشهدی سومین بحث وزارت نیرو برای خروج از وضعیت تابستان، بحث اقدامات مدیریتی مصرف است. در این بخش روش‌های مختلفی برای مدیریت مصرف به کار گرفته شده است. او ادامه می‌دهد: با صنایع کشور هماهنگ کردیم تا در طرح‌های مدیریت مصرف مشارکت کنند و به شکلی میزان مصرف را در ساعات ۱۵ تا ۱۷ کم کنند. کسانی که در این طرح مشارکت می‌کنند، معادل مصرفی که دارند، تعرفه برق با ۵۰ درصد برای آنها محاسبه می‌شود.

تصویب قانون ملی‌شدن در سال ۱۳۴۱ و راهکارهایی که در شش ماده آن ایجاد شده است، بعد از اجرایی‌شدن قانون ملی‌شدن تمام اسناد مستثنیات اشخاص ابطال می‌شود و اسنادا همه اراضی واقع در محدوده جنگل‌ها و مراتع اعم از مستثنیات افراد، باغات، اراضی زراعی و اوقافی ابطال می‌شود و همه اراضی ملی می‌شوند؛ بنابراین اراضی اوقافی هم تعیین تکلیف می‌شوند. او ادامه می‌دهد: اتفاق بعدی که می‌افتد و در سال‌های بعد از انقلاب بوده، بحث اوقاف واقع در حریم روستاست. به‌صراحت در احکام مراجع معظم تقلید داریم که وقف زمانی اتفاق می‌افتد که واقف مالک باشد، بر همین اساس نیاز است که یک ارجاع مجدد به اصل اصلاحات اراضی داشته باشیم. نوری عنوان می‌کند: قانون اصلاحات اراضی در سه مرحله انجام شد؛ در مرحله اول زمانی که ملاک متوجه شد قرار است اصلاحات اراضی اتفاق بیفتد و زمین‌های آنها گرفته شود، بخشی از زمین‌های خود را تحت عنوان وقف، وقف خاص کردند و به‌این‌ترتیب اراضی به‌نوعی در مالکیت افراد اطراف آنها باقی می‌ماند اما به‌محض اینکه دولت متوجه این تقلب می‌شود، این مورد را اصلاح می‌کند و می‌گوید مالکان فقط می‌توانند سهمی از اراضی را که در راستای اجرای قانون اصلاحات اراضی به آنها واگذار می‌شود و تحت مالکیت آنها باقی می‌ماند، وقف کنند. سهم هر فرد از اراضی در آن مقطع ۸۰۰ هکتار دیم و ۴۰۰ هکتار آبی بود. هرچه بیش از این وقف شده باشد، سندش باطل است. او ادامه می‌دهد: بنابراین هرگونه سندی داشته باشیم که مربوط به قبل از سال ۴۱ باشد، ابطال قانونی شده است. ابطال یا قضائی یا قانونی یا قراردادی است. ابطال قانونی قوی‌ترین نوع ابطال است که عملاً هیچ شخصی نمی‌تواند آن را مجدد باطل کند، حتی قانون‌گذار هم نمی‌تواند، به‌ویژه وقتی این ابطال ناشی از قانون اساسی باشد. چنین ابطلی فقط با وضع قانون اساسی جدید امکان‌پذیر است. درحال‌حاضر

اصلاحیه‌ای از قانون اساسی نداریم که درباره اموال عمومی و ملی‌شدن، حکمی داده باشد؛ بنابراین از منظر قوانین حاکم تمام اسناد اوقافی ماقبل از سال ۴۱ باطل شده و ابطالش قانونی است.

ثبت اشتباه کرده‌است

این کارشناس دفتر حقوقی سازمان جنگل‌ها در موضوع وقف دماوند و جنگل‌های آق‌مشهد با استناد به اینکه وقف‌نامه مربوط به قبل از سال ۴۱ است، آن را باطل می‌داند و تأکید می‌کند: مرجع قضائی براساس قوانین نمی‌تواند با استناد به آنها رأی بدهد. او اضافه می‌کند: ثبت اشتباه کرده، ثبت سند به نام اوقاف اشتباه بوده و مغایر با قوانین است. ما به‌جای اینکه درباره بحث فرایندهای ادامه و توافقی در این رابطه صحبت کنیم، باید از قانون تمکین کنیم. نوری درباره نیاز به ورود هیئت نظارت برای ابطال سندی که به نام اوقاف صادر شده، می‌گوید: در اینجا نیاز به ورود هیئت نظارت نیست، زیرا در قانون ثبت، بحث تعارض اسناد را داریم. همیشه سند مقدم معتبرتر است، مگر سند مؤخر دلالی برای ابطال سند اول داشته باشد. در موضوع آق‌مشهد سند اول سازمان جنگل‌ها می‌باشد، بنابراین سند سازمان جنگل‌ها اعتبار دارد و سند وقف اعتبار ندارد. او یادآور می‌شود: در قانون ملی‌شدن و حفاظت و بهره‌برداری دو نکته مهم وجود دارد. مرجع تشخیص اراضی ملی از مستثنیات منابع طبیعی است؛ بنابراین هر شخصی اعم از کارشناس رسمی یا هرکس دیگری درباره اینکه این عرصه ملی و مستثنیات است، نظر بدهد، فاقد وجاهت قانونی است. ثبت ملکف است براساس برگ تشخیص مرجع صادر یعنی منابع طبیعی سند صادر کند. حتی درباره اموال شخصی افراد و خانه‌های روستایی هم ملکف است براساس نظر جنگل‌دار سند صادر کند. اینکه چگونه ثبت بدون نظر جنگل‌دار، در دماوند سند صادر می‌کند، جای تأمل بسیار دارد.

سخنگوی صنعت برق می‌گوید: در مورد چاه‌های کشاورزی اگر چهار ساعت از برق کشور مصرف نکنند، ۲۰ ساعت بقیه برقشان رایگان حساب خواهد شد. برای شرکت‌های صنعتی نیز راهکارهای دیگری در نظر گرفته‌ایم. از آنجا که این شهرک‌ها روز جمعه تعطیل بودند و پنجشنبه هم نیمه‌فعال بودند، قرار بر این شد که در ایام اوج مصرف تابستان با هماهنگی مدیران شهرک و تفاهم‌نامه‌هایی که امضا شد، تولیدکنندگان در روزهای تعطیل مشغول به کار شوند. زیرا خوشان به این مسئله بیشتر راضی بودند. او بیان می‌کند: شهرک‌های صنعتی گفتمند برای ما صرف نمی‌کند که چند ساعت مصرف برق